



نکته‌های نغز قرآنی

مؤلف: دکتر صلاح عبدالفتاح خالدی

مترجم: مجتبی دوروزی

نور

www.ketab.ir



سرشناسه: خالدی، صلاح عبدالفتاح

Khalidi, Salah Abd al-Fattah

عنوان قراردادی: لطائف قرآنیہ. فارسی

عنوان نام پدیدآور: نکته‌های نغز قرآنی

مشخصات نشر: تهران: احسان، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص.

فروشنده: مجموعه جینیه های قرآن: ۸.

شابک: ۹۷۸-۹۶۲۰۰۳۴-۰

وضعیت فهرست نویسی: بیای مختصر

شناسه افزوده: ۵: در مجتبی، ۱۳۵۲ - مترجم

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۵۲-۵

WWW.KOOLIR



نکته های نغز قرآنی

مؤلف: دکتر صالح عبدالفتاح خالدی

مترجم: حجتی داور

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: مهارت

نوبت چاپ: اول-۱۳۸۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۱۲۲-۹

فهرست مطالب

۷	فهرست مطالب
۱۷	مقدمه
۲۵	پیشگفتار
۲۵	لزوم تدبیر در قرآن
۲۷	قرآن مبارک است
۲۹	علما از آن سیر نمی‌شوند... و شحمت‌ها - آن پایان‌ناپذیر است
۳۲	چه بسیار سخنان ناگفته‌ای که گذشتگان برای آیندگان باقی گذاشته‌اند
۳۵	دروازه‌ی تفسیر بسته نمی‌شود
۳۸	تفسیر، گشایش و ابداع است
۴۱	نکته‌های نغز قرآنی
۴۳	[۱] دو نام برای کلام خدا: قرآن، و کتاب
۴۴	حفظ قرآن با قرانت و کتابت
۴۵	قرانت و کتابت هر دو به معنای گردآوری می‌باشند
۴۷	[۲] [لفظ] «قرآن» به مابعدش اضافه شده
۴۷	قرآن الفجر... و قرآنه...
۴۸	قرآن الفجر: قرانت قرآن در فجر [= نماز صبح]

- ۴۹..... «قرآنه، یعنی: قرانت آن»
- ۵۱ [۳] ترتیب سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شوند.....
- ۵۱ حروف مقطعه به خاطر مبارزه‌طلبی بیان شده و نشانه‌ی اعجاز است.....
- ۵۲ دلایل این سخن.....
- ۵۲ ترتیب این سوره‌ها در قرآن هدفدار و تعمدی است.....
- ۵۵ [۴] «ترتیب سوره‌هایی که با تسبیح [خداوند] آغاز می‌شوند».....
- ۵۵ سبحان. سبح. یُسبح. سبح.....
- ۵۹ [۵] «ووشیه در قرآن».....
- ۵۹ «منظور از ووشیه».....
- ۶۰ واو ثمانیه در سوره نوبه.....
- ۶۱ واو ثمانیه در سوره تحریم.....
- ۶۱ واو ثمانیه در سوره کهف.....
- ۶۵ [۶] «لام اخلاص».....
- ۶۵ «سبح لله».....
- ۶۷ [۷] «لام تبلیغ».....
- ۶۷ «قال لهم الناس».....
- ۶۹ [۸] «هاء رفعت و قدر و منزلت».....
- ۶۹ «علیه الله».....
- ۷۰ «ساختار آیات درباره بیعت رضوان است».....
- ۷۱ «بازتاب یافتن اوضاع و احوال بر حرکت هاء».....
- ۷۳ [۹] «هاء خفض».....
- ۷۳ «فیه مهنأ».....
- ۷۴ «کشیدن هاء فراخور سیاق است».....
- ۷۷ [۱۰] «تاء الخفة».....

- ۷۷..... «تستطع... تستطع»
- ۷۹..... «وجود تاء به خاطر تناسبش با فشار روحی - روانی است.»
- ۸۰..... «حذف تاء به خاطر تناسبش با از بین رفتن فشار روحی - روانی است.»
- ۸۱..... [۱۱] «تاء الخفة»
- ۸۱..... «اسطاعوا... استطاعوا»
- ۸۲..... «حذف تاء به خاطر سازگاری با سبکی و فرزی در بالا رفتن از دیوار»
- ۸۳..... «آوردن تاء به خاطر هماهنگی اش با دشواری سوراخ کردن سد است»
- ۸۵..... [۱۲] «الت عزت: العباد»
- ۸۷..... [۱۳] «یاء رلت العیبا»
- ۸۷..... «عبید در قرآن برای خفا به کار رفته است»
- ۹۰..... «به خاطر هماهنگی با ذلت کهار عبید» به کار رفته است»
- ۹۱..... [۱۴] «مِیَّت... و... مِیَّت»
- ۹۱..... «در قرآن مترادف و هم معنایی بوده است»
- ۹۲..... «مِیَّت کسی است که روحش در بدنش است»
- ۹۳..... «مِیَّت کسی است که روحش از بدنش خارج شده است»
- ۹۵..... «کافر مرده دل است»
- ۹۵..... «اشاره و دلالت حرکت‌های این دو کلمه بر معنا و مفهوم آن‌ها»
- ۹۷..... [۱۵] «مِصْر... و... مِصْرًا»
- ۹۷..... «مِصْر: همان کشور معروف و شناخته شده است»
- ۹۹..... «مِصْرًا: هر سرزمین و کشوری»
- ۱۰۱..... [۱۶] «نُکْر... و... منکر»
- ۱۰۲..... «تفاوت میان این دو کلمه»
- ۱۰۲..... «کلمه «نکر» در قرآن»
- ۱۰۵..... «معنی «منکر» در قرآن»

- ۱۰۷ [۱۷] «نَفَدَ ... و ... نَفَدَ»
- ۱۰۹ [۱۸] «مَسَّ ... و ... لَمَسَ»
- ۱۱۰ «مَسَّ در سیاق قرآنی به معنی نزدیکی و آمیزش است.»
- ۱۱۲ «لمس در سیاق قرآنی به معنای مصافحه و دست دادن است»
- ۱۱۴ «لمس زن بیگانه و نامحرم وضورا باطل می‌کند»
- ۱۱۴ «لمس را به معنای جماع و آمیزش به کار بردن غلط است»
- ۱۱۷ [۱۹] «الْكُزَّةُ ... و الْكُرْهُ»
- ۱۱۷ «كُزَّة: رنج حواس»
- ۱۱۹ «كُزَّة: إكراه»
- ۱۲۳ [۲۰] «جِسْم جِسْد»
- ۱۲۳ «جسم: بدنی که در از حیات زندگی است»
- ۱۲۴ «جسد: بدنی که کالبدی بر حودت و ساکن است»
- ۱۲۷ [۲۱] «ذُنُوبٌ ... و ... ذُنُوبٌ»
- ۱۲۹ [۲۲] «شَرَى ... و ... اشْتَرَى»
- ۱۲۹ «شَرَى به معنی فروختن»
- ۱۳۰ «اشْتَرَى به معنی به دست آوردن و دریافت کردن»
- ۱۳۱ «تفاوت بَاء معاوضه در دو فعل شری و اشتری»
- ۱۳۳ [۲۳] «العَمَى ... و ... العَمَه»
- ۱۳۵ [۲۴] «اسْتَأْنَسَ ... و ... اسْتَأْذَنَ»
- ۱۳۵ «استأنس: اُنس و الفت روحی»
- ۱۳۶ «اسْتَأْذَنَ: درخواست اجازه»
- ۱۳۷ «این دو، از دو جهت با هم فرق دارند»
- ۱۳۹ [۲۵] «الْفِتْيَةُ ... و ... الْفِتْيَانُ»
- ۱۳۹ «الْفِتْيَةُ: جوانان مؤمن»

- ۱۴۰ «الفِثْيَان: خدمت‌کاران»
- ۱۴۳ [۲۶] «الْأَمْنُ ... و... الْأَمَنَةُ»
- ۱۴۳ «الْأَمْنُ: حصول اطمینان به همراه از بین رفتن سبب ترس»
- ۱۴۴ «الْأَمَنَةُ: حصول اطمینان با وجود علت ترس»
- ۱۴۷ [۲۷] «الرَّوْعُ ... و... الرَّوْعُ»
- ۱۵۱ [۲۸] «السَّلْمُ ... و... السَّلْمُ ... و... السَّلْمُ»
- ۱۵۱ «السَّلْمُ: السلام»
- ۱۵۳ «السَّلْمُ: تریل به صلح و توافق کردن»
- ۱۵۵ «السَّلْمُ: تسلیم شدن در لایحه»
- ۱۵۸ «خلاصه‌ی مطلب»
- ۱۵۹ [۲۹] «مرگ: همان فری که هدیه در قرآن مؤخر آمده است»
- ۱۶۱ «چرا مرگ نقش فاعل را دارد؟»
- ۱۶۱ «فلسفه‌ی روان‌شناختی به تأخیر ندادن فعل»
- ۱۶۳ [۳۰] «کلمه هدیه در قرآن برای مفهوم ریشور کار رفته است»
- ۱۶۳ «ملکه سبا کوشید که به سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام رشوه دهد»
- ۱۶۵ «سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام بر رشوه فائق آمد [و آن را رد کرد]»
- ۱۶۷ [۳۱] «به سرزمین مقدس برکت دادیم [= بار کنا]»
- ۱۷۰ «برخی از نکات و اشارات این آیات»
- ۱۷۰ «از جمله مظاهر برکت در سرزمین مقدس»
- ۱۷۳ [۳۲] «تألیف [= گردآوردن و ایجاد پیوند] در قرآن»
- ۱۷۴ فعل ماضی: أَلَّفَ
- ۱۷۵ «از جمله دلالت‌های فعل أَلَّفَ»
- ۱۷۷ [۳۳] «باید فقط به درگاه خداوند شکایت نمود»
- ۱۷۸ «شکوه و شکایت دو بار در قرآن آمده است»

- ۱۸۱ [۳۴] «صغت قلوبکما: [مگر] آدمی چند قلب دارد؟»
- ۱۸۳ «فلسفه به صورت جمع بیان شدن قلب [= قلوب]»
- ۱۸۵ [۳۵] «نون تأکید خفیفه در قرآن»
- ۱۸۵ «دو بار ذکر شده»
- ۱۸۷ [۳۶] «عسی: فعلی که در قرآن رخ نداد»
- ۱۸۹ [۳۷] «کاء در قرآن: مثبت آن منفی، و منفی آن مثبت است»
- ۱۹۱ [۳۸] «یوسف علیه السلام قصد زن عزیز را نمود»
- ۱۹۲ «یوسف علیه السلام مد زنای با او را نداشت»
- ۱۹۳ «یوسف علیه السلام قصه زدر او را نداشت»
- ۱۹۳ «دلایل نفی هر نوی سمدی از سوی یوسف علیه السلام»
- ۱۹۵ [۳۹] «يَأْفِكُونَ: فعلی با ساختن مالموم»
- ۱۹۶ «إفک یعنی برگرداندن و جابجایی کردن و «حرف ساختن»
- ۱۹۸ «إفک به معنای دروغ»
- ۱۹۹ [۴۰] «يُؤْفِكُونَ: فعلی با ساختار مجهول»
- ۲۰۰ «فلسفه حذف فاعل»
- ۲۰۳ [۴۱] «چگونه مریم جزو قانتین بود»
- ۲۰۴ «فلسفه عدول از مؤنث به مذکر»
- ۲۰۵ [۴۲] «مذکر آوردن فعل: إذا جاءكم المؤمنات مهاجرات»
- ۲۰۵ «توجیه نحوی»
- ۲۰۶ «راز این که فعل به صورت مذکر آمده اقدامات جهادگرانه‌ی آن زنان است»
- ۲۰۷ [۴۳] «ایمان مؤکدی که تحقق نیافت!»
- ۲۰۸ «ایمان فرد مسیحی به عیسی علیه السلام پذیرفتنی نیست»
- ۲۰۹ «فرعون به وعده‌ی خود با موسی علیه السلام وفا نکرد»

- ۲۱۰ «مشرکین به دروغ سوگند می‌خورند».
- ۲۱۱ «ایمان صادق نیازمند تأکید نیست».
- ۲۱۳ [۴۴] «ایمان تمایز یافته و متمایزکننده».
- ۲۱۵ «از جمله دلالت‌ها و مفاهیم این آیات».
- ۲۱۶ ایمان، ممیز [= تمایز یافته و متمایز] و ممیز [= متمایزکننده] است.
- ۲۱۷ [۴۵] «دو مرحله برای ایمان: «به»، سپس «له»».
- ۲۱۹ «الإيمان به به معنی تصدیق و باور به اوست».
- ۲۱۹ «الإيمان له به معنی پیروی از اوست».
- ۲۲۱ [۴۶] «نبرد کینه‌ریز بر بند مؤمنین».
- ۲۲۱ «تفاوت میان النعمة و النعمة».
- ۲۲۲ «النعمة در سیاق و سباق بار آتی».
- ۲۲۴ کلمه «النعمة» توصیفی است، رایج، کفار علیه مسلمانان.
- ۲۲۴ انتقام‌جویی یک بیماری بدخیم روحی روانی است.
- ۲۲۷ [۴۷] «قرآن نحوه‌ی خودکشی را به فرد کافر می‌دهد».
- ۲۲۷ «چگونگی خودکشی».
- ۲۲۹ [۴۸] «تشبیه نمودن به سگ و الاغ در قرآن».
- ۲۳۰ «تشبیه نمودن به سگ».
- ۲۳۱ «تشبیه نمودن به الاغ».
- ۲۳۵ [۴۹] «ليلة القدر: شب بیست و هفتم از ماه رمضان!».
- ۲۳۶ ابی بن کعب سوگند یاد می‌کند که شب بیست و هفت رمضان، شب بیست و هفت است.
- ۲۳۶ دو دلیل از همین سوره بر تعیین و تصریح به این شب
- ۲۳۹ [۵۰] «گردشی سریع به همراه کلمه «النعمة» در قرآن».
- ۲۳۹ همراه با سخن امام راغب درباره کلمه «النعمة».

- ۲۴۰ «همراه با کلمه «النعمة» در صورت و شکل فعل».
- ۲۴۰ «فلسفه تعبیر با فعل ماضی».
- ۲۴۱ «معنا و مفهوم نسبت دادنش به خدا».
- ۲۴۱ «معنی نسبت دادن آن به رسول الله ﷺ».
- ۲۴۳ «أَنْعَمَ» و «نَعَمَ».
- ۲۴۳ «نَعَم: در سیاق ذم و نکوهش آمده است».
- ۲۴۴ «نَبَتِ دَهِي نِعْمَتٌ بِهٖ خَدَا».
- ۲۴۵ «این یک نسبت دهی حقیقی و واقعی است».
- ۲۴۵ «بهره‌گیر، مال این نیست دهی».
- ۲۴۶ «بیان «النعمة» بی آنکه نسبت داده شده باشد».
- ۲۴۷ «بیان «النعمة» در ساقه نکان».
- ۲۴۸ «بیان «النعمة» در سیاق بی».
- ۲۴۹ «النَّعْمَةُ» و «التَّعْمَةُ».
- ۲۵۰ «النَّعْمَةُ: اسم هیئت است».
- ۲۵۰ «التَّعْمَةُ: اسم مَرَّة است».
- ۲۵۱ «نَعْمَةُ» فرعون و قومش به هنگام غرق شدن آن».
- ۲۵۳ «المكذَّبون أولو «التَّعْمَةُ»».
- ۲۵۴ «النَّعْمَةُ و التَّعْمَاءُ».
- ۲۵۵ «النعماء [= خوشی و منفعت] نقطه مقابل الضراء [= ناخوشی و ضرر] است».
- ۲۵۶ «النَّعْمُ و الْأَنْعَمُ».
- ۲۵۷ «النَّعْمُ مشتمل بر نعمت‌های پیدا و پنهان است».
- ۲۵۸ «الأنعَم: مختص به نعمت‌های ظاهری است».
- ۲۵۹ «النَّعْمُ و الأنعام».
- ۲۵۹ «تفاوت میان چهار کلمه».

- ۲۶۰ «أنعام یعنی نعمت‌های پیدا و آشکار»
- ۲۶۱ «دام‌ها هشت نوع‌اند»
- ۲۶۱ «الأنعامُ و النَّعَمُ»
- ۲۶۲ «النَّعَم: شتر»
- ۲۶۴ «النَّعْمَة و النَّعِيم»
- ۲۶۴ «النَّعِيم یعنی نعمت‌های بهشت»
- ۲۶۵ «معنای: سَأَلْتُ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»
- ۲۶۷ «این سؤال به خاطر مسخره کردن و استهزاء به آنان است»
- ۲۶۹ «سخن آخر»
- ۲۶۹ «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّي فَكَذَّبْتُ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

«إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا. مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِيَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ».

بی شک گنجینه‌های عظیمی از اشارات، نشانه‌ها، نکتات الهام‌ها، معانی، حقائق و دلالت‌ها در قرآن کریم وجود دارد.

علما و دانشمندان به قرآن کریم روی آورده و خود را وقف آن کرده‌اند، و از این نکته‌ها و معانی و حقایقی که خداوند بدانان الهام کرده، بهره برده‌اند.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در توصیف قرآن راست و درست فرموده که: (... در آن رویدادهای مهم پیش از شما و خبر پس از شما و حکم میان‌تان وجود دارد... هر گردن‌کشی که قرآن را رها کند خداوند، نیست و نابودش می‌کند و

هر کس راه هدایت را در چیزی جز قرآن بجوید خداوند گمراهش می‌نماید. قرآن ریسمان محکم الهی و ذکر حکیم است. قرآن صراط مستقیم و راه راست است، امیال به واسطه‌ی آن منحرف نمی‌شوند و زبان‌ها با آن دچار خطا نمی‌گردند، علما از آن سیر نمی‌شوند، و بر اثر کثرت تکرار کهنه نمی‌شود، و شگفتی‌های آن پایان‌ناپذیر است... هر کس آن را بر زبان راند سخنی راست گفته است و هر کس به آن عمل نماید پاداش می‌گیرد و کسی که به آن حکم نماید عدالت ورزیده است و کسی که به آن فراخواند به راه راست هدایت کرده است.

همان‌طور که پیشتر و تکرار در آیات قرآن، و بهره‌مند شدن از اشارات و نکته‌هایش، نعمتی فوق‌العاده از سوی خداوند نعمت‌دهنده و بخشاینده است، نعمتی که ارجح و ارزشش را نمی‌شود نیز کسی که خود آن را چشیده باشد نعمتی است که بر عمر می‌افزاید و پاکیزه و مبارکش می‌گردد. بی‌تردید قرآن کریم و محبوب، نفیس‌ترین چیزی است که نظرات و تفکرات انسان روی آورده و متوجه‌اش گشته، و زمان‌ها و عمرها در آن صرف شده، و مطالعات و کتب‌ها پیرامونش صورت می‌گیرد.

تلاوت قرآن، و حفظ آن، و گوش سپردن بدان، و تأمل و تدبر و تفسیر و سخن گفتن درباره‌اش، و ارانه و معرفی حقایق و ذرات آن و نکته‌هایش، و فراخواندن مردم به سوی آن، و زندگی در سایه‌ی آن، و به کار بستن و عملی کردن رهنمودها و آموزه‌هایش، و حرکت کردن با آن در عالم واقعیت، و برپا و شدن با جاهلیت و جهاد با آن به کمک قرآن و هر آنچه که در ارتباط و متصن به قرآن است، همه و همه، عبادت خداوند سبحان است.

من گاه‌گاهی در خصوص اسلوب و شیوه‌ی قرآن نظرات و برداشت‌هایی داشته‌ام و در برابر آیات و واژه‌گانش درنگ‌ها و تأمل‌هایی نموده‌ام و از آنچه خداوند به واسطه‌ی آن از برخی اشارات و نشانه‌ها و نکته‌ها به من ارزانی داشته و مرا به درک آن مفتخر نموده، بهره برده‌ام.

در سخنرانی‌های آکادمیک و دانشگاهی، و در درس‌های تفسیر که به صورت عمومی ارائه داده‌ام از برخی از این مطالبی که دریافته و متوجه شده‌ام سخن گفته‌ام و شنوندگان از شنیدن آنها دچار اعجاب شده و آن را پسندیده‌اند و شیفتگی‌شان نسبت به قرآن و علاقه‌مندی‌شان به علم و آگاهی از معانی آن، و تدبر و اندیشیدن در اسلوب و شیوه‌ی قرآن افزایش یافته است. دوست داشتم که برخی از این نکته‌ها و اشارات را ارائه داده و آن را بر جمع کثیری از دوستداران قرآن و تأمل‌کنندگان در آن عرضه نمایم، این کتاب «نکته‌های نغز قرآنی» یکی از مجموعه کتاب‌های کتاب‌خانه‌ی قرآنی است که تحت عنوان «مجموعه گنجینه‌های قرآن» ارائه داده و عرضه نموده‌ام.

بیان این نکته‌ها را با بیسگننداری آغاز کرده‌ام، و در آن از موضوع تأمل در قرآن، و نشانه‌ها و جلوه‌های برکت آن و کثرت و فراوانی معانی آن به گونه‌ای که علما از آن سیر نشده و شگفتی‌های آن را ناپذیرند، سخن گفته‌ام. در این پیشگفتار به این مطلب اشاره کرده‌ام که چه بسا معاصرین - و کسانی که پس از آنان می‌آیند - به نکته‌ها و حقایقی از قرآن بی‌می‌برند که علمای برجسته و سرشناس پیشین بدان پی نبرده‌اند. چه بسیار سخنان و ذراتی که گذشتگان برای آیندگان گذاشته‌اند!!

بی‌تردید ممکن نیست که دروازه تفسیر بسته شود، و به هر حال در هر نسلی یک یا چندین مفسر کلام خدا پدیدار گشته و اقدام به این کار می‌نمایند. اهل هر زمانه‌ای نیازها و موضوعات و مسائل و مشکلات خاص خود را دارند و آنچه را که در جستجویش هستند به‌زودی آن را در قرآن می‌یابند. علم تفسیر علمی زنده و رو به رشد و جلورونده است و همچون برخی از علوم اسلامی «سوخته» نیست که از لحاظ کندوکاو و پژوهش اشباع شده است، و عرصه و مجالی برای پیوست و

الحاق‌های اساسی بر آن باقی نمانده است علمی مانند علم ارث و، اصول فقه و، اصول نحو و، از این قبیل. در این کتاب «پنجاه» نکته از نکته‌های نغز قرآنی را مطرح کرده و آورده‌ام، این نکته‌ها متنوع و گوناگون‌اند.

در آغاز با چهار نکته پیرامون قرآن و ترتیب سوره‌های آن شروع کرده‌ام: نکته‌ای در باره نام‌گذاری سخن خداوند به دو اسم: قرآن و کتاب، و نکته‌ای در خصوص اضافه شدن کلمه «قرآن» به مابعد آن، و نکته‌ای درباره‌ی ترتیب سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌گردند، و نکته‌ای با موضوع ترتیب سوره‌های آغاز شده با تسبیح خداوند ارائه داده‌ام.

سپس نه نکته پیرامون طوح و ظواهری که در برخی حروف قرآن آشکار و نمایان می‌شود عرضه کرده‌ام و حرف قرآنی را با صفتی و ویژگی‌ای که از معنا و اشاره‌ی آن دریافت کرده‌ام توضیح داده‌ام. در این باره در خصوص: واو ثمانیه، لام اخلاص، لام تبلیغ، هاء رفعت، هاء خفاء، الف عزت، و یاء ذلت سخن گفته‌ام.

سپس به کلماتی قرآنی روی آورده‌ام، کلماتی که در شکل و ترکیب و ریخت و معنا نزدیک به هم‌اند، و به مطالعه‌ی دقیق این کلمات در سوره‌های قرآنی آنها از لحاظ علم نحو و بلاغه، و برداشت‌هایی ذوقی پرداختم، و خواسته‌ام تفاوت میان آنها را بیان دارم لذا این نکته‌ها را ارائه دادم و در آن تفاوت‌هایی را که بین آنها برده‌ام ثبت و ضبط کرده‌ام.

این کار را به این خاطر انجام دادم که بر عدم وجود «ترادف و هم‌معنایی» در قرآن دلیل - مختصر و فشرده - برپا دارم، و این که بی‌شک و ناگزیر میان کلماتی که دیگران آنها را مترادف می‌دانند تفاوت‌هایی وجود دارد، اگر اینان اندکی خود را به

سختی می‌انداختند، و اندکی به ذهن خود زحمت می‌دادند، به تفاوت‌هایی ظریف و دقیق میان آنها پی می‌بردند.

بی‌شک محققین باریک‌بین و دقیق گذشته درباره‌ی این موضوع سخن گفته‌اند و وجود ترادف و هم‌معنایی میان کلمات قرآنی را نفی کرده‌اند. در پیشاپیش اینان دانشمند بی‌همتا و حیرت‌انگیز قرآنی امام راغب اصفهانی است که کتابی خاص در زمینه تفاوت میان کلمات متقارب و نزدیک به هم قرآن نگاشته اما این کتاب به دست ما رسیده است، و در زمره‌ی کتاب‌های کهن و میراثی است که ناپدید گشته و از دست رفته است.

از دیگر دانشمندان که در این زمینه کار کرده‌اند امام حکیم ترمذی است که کتابی را با نام «الم وق فی الالط و منع الترادف» نگاشته که در مصر به چاپ رسیده است.

دکتر عایشه عبدالرحمن بنت شاطیء^۱ کتاب خویش «الاعجاز الیبانی للقرآن» همکاری و مشارکت ارزنده‌ای را در این زمینه نموده است.^۱ در قرآن کلماتی «متضاد»، و کلماتی «استک»، و کلماتی «مساوی» و کلماتی «نزدیک به هم» وجود دارد، اما کلمات «متألف و هم‌معنا» یافت نمی‌شود.

پانزده نکته پیرامون این کلمات ارانه داده‌ام و در آنها تفاوت مان: مِيتٌ و مِيتٌ، مِصْرٌ و مِصْرًا، نَكْرٌ و مُنْكَرٌ، نَفِدٌ و نَفْدٌ، مَسٌّ و لَمَسٌ، كُرْهٌ و كَرْهٌ، سَمٌّ و جَسَدٌ، ذُنُوبٌ و ذُنُوبٌ، شَرِيٌّ و اشْتَرِيٌّ، عَمِيٌّ و عَمَةٌ، اسْتَأْنَسَ و اسْتَأْذَنَ، فَتِيَةٌ و فَتِيَانٌ، أَمْنٌ و أَمْنَةٌ، رَوْعٌ و رَوْعٌ، السَّلْمٌ و السَّلْمٌ و السَّلْمُ، را بیان داشته‌ام. سپس به بیست و یک

^۱ این کتاب با نام «اعجاز یبانی قرآن» و به همت حسین صابری ترجمه، و توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رسیده است.

نکته پیرامون آیات قرآن پرداخته‌ام، برخی از آنها به فرم و شکل ظاهری، و برخی به سیاق و قالب، و دسته‌ای به یک اصطلاح، و عده‌ای به یک حقیقت یا قاعده یا دلالت یا چیزهایی از این دست تعلق دارند.

به عنوان مثال: بیان فلسفه‌ی این که کلمه‌ی «الموت» پیوسته به صورت فاعل به تعویق افتاده آمده. و یا به کارگیری کلمه‌ی هدیه به معنای رشوه. و یا اختصاص دادن برکت به سرزمین مقدس. و یا سیاق و قالب ایجاد انس و الفت میان قلب‌ها. و یا منحصر کردن بیان شکوه و درد و رنج به خداوند متعال. و یا بیان جمع کلمه قلب برای دو همسر رسول الله ﷺ. و یا بیان دو نون تأکید خفیفه. و یا «عسی» که رخ نداده، و یا نادان که منفی آن به معنای اثبات، و مثبت آن به معنی نفی است. و یا نفی قصد و اراده و آهنگ از جانب یوسف علیہ السلام. و بیان «یا فکون» به معنی «یکذبون». و یا «یؤفکون» به معنی «یُعرضون». و به کار بردن ضمیر مذکر «القانتین» برای مریم. و مذكر آوردن نفس «بناءکم المؤمنات». و ایمان مؤکدی که به وقوع نپیوسته. و «ایمان»ی که در نقش تمیز آمده است.

و یا این که «الایمان بالرسول» پیش از «الایمان» است. و یا این که «النقمة» توصیف جنگ کفار بر ضد مسلمین است. و این که قرآن از روی خودکشی را به شخص کافر یاد می‌دهد. و یا تشبیه نمودن عالم و دانشمندان به نااهل به سگ و الاغ. و تعیین شب بیست و هفتم از ماه رمضان به عنوان شب قدر. نکته‌ی «پنجاهم» را به گردش سریع همراه با مصطلح «التَّعَمَّة» در سیاق قرآنی اختصاص داده‌ام. در این نکته تفاوت‌های میان اشتقاق‌ها و تصریف‌های این مصطلح را مدنظر قرار داده‌ام و نکته‌هایی را از این سیاق و بافت ارائه داده‌ام.

در گردشی سریع همراه با مصطلح «النعمة» دوست داشتم که در برابر خوانندگان نمونه‌ای فشرده و مختصر از تفسیر موضوعی قرار دهم. تفسیری که در آن، شخص مصطلحی از مصطلحات قرآن و تک‌واژه‌ای از واژه‌های آن را در کل سیاق و فرم قرآنی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد و دلالت‌ها و معانی و نکات و اشارات و حقائق و رهنمودهایش را مورد توجه قرار می‌دهد. بی‌شک گردش و سیاحت به همراه هر مصطلح قرآنی بسیار جذاب و دل‌نشین است و آدمی با توشیحی شمیم، و میوه‌هایی فراوان، و علمی وافر، و فوایدی سودمند از این سفر باز می‌گردد.

با اذن و یسعیر توفیق خداوند در نظر دارم که به همراه واژه‌های قرآن عازم گشته، و با مصطلحات آن راهی شده‌ام، در اسلوب و سیاقش گشتی بزنم، و آنچه را که از این برداشته‌های قرآنی در سوانح تفسیری به دست آورده و چشیده و جمع کرده‌ام به خوانندگان گرامی تقدیم دارم.

این کار - ان‌شاءالله - در مجموعه‌ی بعدی عملی خواهد شد مجموعه‌ای که به تفسیر موضوعی در قرآن اختصاص می‌دهم، به همراه مصطلح - یا مصطلح‌های نزدیک به هم را - در یک نوشته‌ی خاص می‌گنجانم. این‌ها باید طلب یاری و توفیق می‌نمایم.

همانا وقتی که این نکته‌ها را به خوانندگان گرامی ارائه می‌دهم از آنان تقاضا داشته و درخواست می‌کنم که مرا با آگاه کردن از نقطه‌نظرات خود، به نطف و عنایت قرار دهند، چرا که نقص و خطا و اشتباه و ضعف از صفات بشری است.

با این کار تنها به خدا روی آورده و تنها از او درخواست اجر و پاداش می‌نمایم، از خداوند سبحان می‌خواهم که قرآن کریم را بهار دل‌هایمان، و نور سینه‌هایمان و برطرف‌کننده‌ی غم‌ها و ناراحتی‌هایمان قرار دهد و در لحظه‌لحظه‌ی شب و روز

توفیق‌مان دهد که تلاوتش کنیم، و هر آنچه از آن را که نمی‌دانیم به ما بیاموزاند، و هر آنچه از آن را که فراموش می‌کنیم به یادمان آورد، و در روز آخرت آن را دلیل و حجّتی به سود ما قرار دهد.

و صلّی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه و سلّم.

۱۴۱۱/۲/۱۹ هـ

۱۹۹۰/۹/۹ م

دکتر صلاح عبدالفتاح خالدی

صویلح - ص. ب: ۶۶۹

www.ketab.ir

پیشگفتار

لزوم تدبر در قرآن

آیاتی در قرآن کریم ذکر شده‌اند که ما را بر تدبر در قرآن، و تأمل در آیات و عبارات و کلماتش، و استنباط، استخراج دلالت‌ها و نکته‌ها و اشارات و معانی‌اش، تشویق و ترغیب می‌کنند. اووند متعال می‌فرماید:

﴿ كَتَبَ آتْرَآئَهُ إِلَيْكَ مَبْرُكٌ لِّدَبْرٍ أَعْلَمَ بِهِ وَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴾ (ص: ۲۹)

«کتابی است خجسته که آن را بر تو فرستاده‌ایم تا [انسان‌ها] در آیه‌هایش تدبر کنند و تا خردمندان پند گیرند».

و یا می‌فرماید:

﴿ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَنْ أَرْعَلَ قُلُوبَ أَقْفَالِهَا ﴾ (محمد: ۳)

«آیا در قرآن اندیشه نمی‌کنند یا بر دل‌ها قفل آنها افتاده است»
تدبر همان تفکر و اندیشیدن است. این کلمه برگرفته از کلمه‌ی «تذکر» است که به معنای انتهای چیزی است.